



مفهوم تربیت در دایره وسیع شامل حال تمام موجودات زنده میگردد که متناسب آمادگی فطری و استعداد اولیه خود در اثر مراقبت و تربیت عملا بامتیازاتی نائل آیند که قبلا بصورت استعداد بالقوه در نهاد خود داشتند ، یعنی در اثر تربیت و مراقبت لازم استعدادهای نهفته را کشف و تقویت و ظاهر نموده و تا سرحد شکل گرفتن مراقبت کرده و پرورش دهند تا در جهت مثبت بنوانند منشاء اثر گردند .

بنابراین اگر عنوان " تربیت " را اختصاص بانسان یا حیوان معینی نداده و بطور اعم در نظر بگیریم باید اعتراف نمود که در چنین شرایطی نه برای " تربیت " به معنی اعم معنائی میتوان پیدا کرد و نه

نظرگرفتن هدف غائی و نهائی و گذشته از جنبه‌ها و موارد اختصاصی آن ، تعریف جامع و کاملی را بدین شرح در نظر میگیریم :

" تربیت " عبارتست از پرورش و تقویت استعداد‌های مثبت تا سر حد کمال ممکنه و ایجاد هماهنگی لازم در بین آنها ، همراه با تضعیف استعداد‌های منفی تا بسرحد انهدام ممکنه از وجود .

ممکنست در توجیه استعداد‌های مثبت و منفی اختلاف نظر‌هایی بوجود آید و برای احتراز از آن یادآور میشویم که استعداد‌های مثبت و منفی استعداد‌هایی هستند که میتوانند انسان یا موجود زنده را در حد فاصل دو قطب متضاد مفید و مضر ، نیک و بد ، زشت و زیبا ، خیر و شر ، صلاح و فساد ، نقص و کمال ، و بالاخره حق و باطل بحرکت درآورده و از بی‌تفاوتی خارج سازند .  
تعریف اخلاق :

اگر خواسته باشیم " تربیت " را بدان معنی که در افکار عمومی بیش از همه مورد توجه بوده و بلکه مورد نیاز جامعه انسانی است تعریف کنیم که عبارتست از تربیتی که شامل ارشاد فکری و جنبه‌های اصلاح اخلاقی در انسان میگردد ، در چنین شرایطی معنی " تربیت " از دایره بسیار وسیع عام آن در جهان بیولوژی جدا شده و در دایره محدودی از تعدیل صفات و حالات و خصوصیات روحی و

میتوان انواع مختلف تربیت را تحت یک عنوان بیان نمود و یا برای هدفی ثابت در نظر گرفت ( مثلا تربیتی که برای اجرای عملی یا ایجاد خصلتی صورت پذیرد ) ، زیرا برای انواع موجودات زنده به‌شمار انواع استعداد‌های گوناگونی وجود دارند که برای پرورش هر یک از آنها روش عملی جداگانه مخصوص بخود باید پیش گرفت ، مانند اینکه سگ گله را برای محافظت و صیانت گله ، و سگ شکاری را برای شکار حیوانات ، و اسب را برای سوار شدن یا کار معینی انجام دادن و یا حیوانات گوناگون دیگری را برای کارهای معینی تحت برنامه منظم و مراقبت‌های لازم تربیت نمایند ، و امروزه تربیت نرم تنانی چون کرم خاکی و حتی تک سلولی‌هایی مثل آمیب نیز در بیولوژی (زیست شناسی) برای خودجائی باز کرده است .

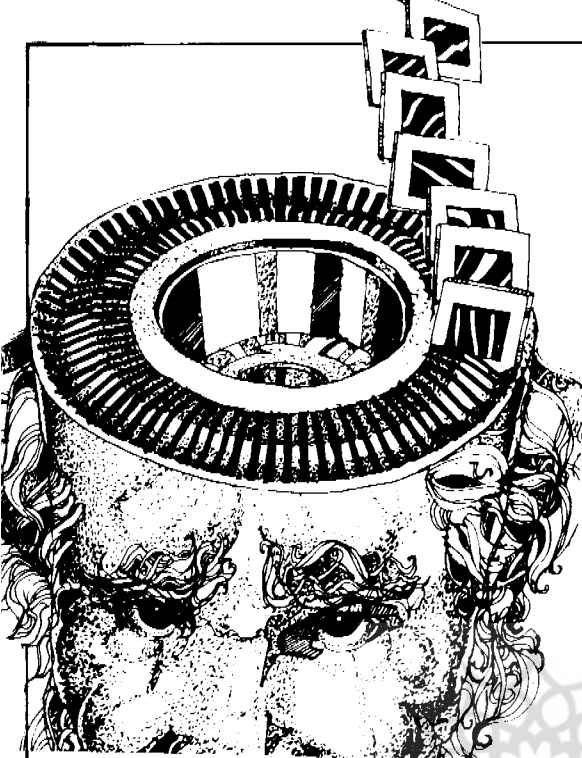
چنانکه قبلا نیز اشاره شد در رشته‌های علوم تربیتی و روانشناسی و سایر علوم کلاسیک مربوطه ، " تربیت " را بصورت مختلف تعریف کرده‌اند که نه تنها معنی و مفهوم واحد و معینی را بدست نمیده‌ند بلکه مفاهیمی در جهت مخالف هم بوجود آورده و هرگز حول محور هدف واحد اساسی دور نمیزند که نقل یک یک آنها موجب اطاله کلام میگردد ، بنابراین تربیت را در علوم کلاسیک بهر نوعی توجیه نموده‌اند کاری بدان نداشته و بدون قبول و یا تقلید کور-کورانه از مکاتب مختلف موجود تنها با در

اخلاقی انسان خلاصه میشود یعنی از مجموع جهات موضوع در زمینه زیست‌شناسی، تنها جنبه خاص آن در زمینه روانشناسی مورد توجه قرار میگیرد چرا که در روابط انسانی و به لحاظ آثار و نتایج مفید و مثبت حیات فردی و اجتماعی، تربیت در زمینه اخلاقی بمراتب از سایر جنبه‌های تربیتی از نظر استعداد‌های جسمی و روحی مربوط با ایجاد توانائی انجام امور عادی (یا مربوط بتربیت متخصص در رشته‌ها و حرفه‌ها و علوم و فنون و هنرها و حتی بالاتر از همه پرورش استعداد-های خارق العاده از نظر ایجاد نوع در افراد استثنائی) مهمتر و موثرتر است زیرا اگر تربیت در تمام جنبه‌ها و در کلیه جهات مختلف از استعداد‌های جسمی و روحی انسان منشاء اثر بوده و تمام استعداد‌های انسانی را تا بسرحد کمال ممکنه برساند، اما تنها در همین هدف غائی و نهائی مهم یعنی تربیت از نظر اخلاقی نقشی نداشته و از طریق ایجاد هماهنگی در اجزاء خلقی در ایجاد اعتدال روحی و اخلاقی لازم غافل بوده و یا عاجز بماند، توان گفت که در اثر کثرت زیانها و خسارات مادی و معنوی حاصل از این نقیصه بس مهم و چشمگیر، آثار مفید و مثبت تربیت در جهات و جنبه‌های مختلف دیگر، در حکم عدم است و یا بلکه در مرحله‌ای بعلت استخدام تمام آن جنبه‌های مثبت در همین جنبه منفی (عدم تربیت اخلاقی) منشاء

بزرگترین لطمات و خسارات برای فرد و جامعه خواهد بود!! و یا بعبارت دیگر آن چنانکه بشر، بخصوص در عصر حاضر از فقر و فقد جنبه‌های اخلاقی و انهدام صفات و امتیازات و مواهب روحی و معنوی و بالاخره از فقر مزایای "انسانی" بمفهوم واقعی کلمه در زحمت بوده و هرگز نمیتواند از حاصل تربیت متخصص و پرورش نوع برخوردار بوده و از انسانها با فراغ خاطر و آسودگی فکر معنی واقعی بهره مند گردد، برعکس بشر گذشته قبل از پیدایش چنین تمدنی، از فقدان انواع و مشاهیر عالم علم و تکنیک و عدم متخصص در علوم و فنون و هنرها (در اثر برخورداری از تربیت اخلاقی در دامن مکاتب آسمانی وادیان) آنچنان دچار زجر و شکنجه نبوده و اینقدر از وجود هموع دانشمند و توانا اما محروم از جنبه‌های اخلاقی و انسانی درد سر نمیکشید.

گراف فون پلاتن در این باره میگوید: "دانشمندان هر یک در عصر و محیطی زندگی میکردند و میکوشیدند تا تربیت را بروفق مقتضیات عصر و محیط خود تعریف کنند، بیش از همه باید انسان بوسیله تربیت اخلاقا اصلاح گردد و گرنه هر قدر باهوشتر شود بهمان درجه نیز بیشتر قادر بانجام اعمال زشت میگردد."

بنابراین ناگفته خود پیداست که چرا در بادی امر قبل از همه از عنوان "تربیت" تنها مفهوم اخلاقی موضوع در اذهان عمومی



( عوام و خاص ) نداعی شده و بیش از همه ، افکار خود بخود بدان هدف مقدس معطوف میگردند ، یعنی از همین بذل توجه کامل آگاه و یا ناآگاه مردم بمفهوم تربیت در زمینه اخلاقی ، طی اعصار و قرون و در تمام تمدنها در کمال وضوح درجه نیاز افکار عمومی و انواع فرهنگها و تمدنها به هدفهای اساسی تربیت از دیدگاه اخلاق ، خود بخود نمایان و مسلم میگردد .

اینک ما در بحث خود از جنبه‌های اعم موضوع " تربیت " صرفنظر کرده و جنبه‌های اخص موضوع ( که در اخلاق خلاصه شده و هدف اصلی در طرح این موضوع بشمار میرود ) میپردازیم .

اگر مفهوم " تربیت " را از لحاظ اخلاق در نظر بگیریم بدین مضمون تواند بود که تربیت از نظر اخلاقی در حقیقت مراقبت و پرورش جنبه‌های مثبت و صفات کمالیه روحی است بمنظور ایجاد اعتدال و هماهنگی لازم مابین اجزاء صفات و خصوصیات روحی و امتیازات خلقی و ادامه این مراقبت تا بسرحد ملکه شدن امتیازات مذکور ، ملکه شدن صفات و امتیازات خلقی عبارتست از انتقال عمل " مراقبت " موقت از شعور ظاهرری بشعور باطنی و کنترل دائمی و ناخودآگاه آنها ، بمنشاء شعور باطنی ، بدین معنی که وقتی پس از حصول علم و اطلاع از افراط و تفریطهای خلقی ( بمنشاء موروثی یبسا اکتسابی ) ضرورت اصلاح و تعدیل صفات

و حالات و اجزاء خلقی برای شخص ( یامربی ) مسلم گردید برای تعدیل و کنترل افراط و تفریطهای موجود ، در وهله اول لازم است بمنشاء عقل واراده و شعور ظاهری ، سعی و بذل توجه صورت گیرد و وقتی برای مدت مدیدی این مراقبت آگاهانه ادامه یافت در چنین شرایطی کنترل یا " مراقبت " از حالت شعوری میتواند بحالت لاشعوری یا ناآگاهی ( بامنشاء شعور باطنی ) درآید که در این مرحله حتی در صورت فراموشی یا اشتغال ذهن بامور دیگر ( فراموشی یا اشتغال در شعور ظاهری ) نیز این مراقبت صورت گرفته و در ردیف تلقینات از طریق شعور باطنی منشاء اثر گردد .